



یکشنبه 8 اردیبهشت 1398-22 شعبان 1440-28 آوریل 2019

شهادت سروان خلیان "علی اکبر شیرودی" (1360 ش)

شهادت سروان خلیان "علی اکبر شیرودی" (1360 ش)

شهید علی اکبر شیرودی از خلبانان ماهر و متعهد هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران بود. شهید شیرودی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با مزدوران بیگانه و منافقین در غرب ایران مقابله کرد و در پاک‌سازی این منطقه از عناصر آشوب‌گر وابسته به بیگانگان، نقش بسزایی داشت. با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، سروان شیرودی به صف رزمندگان پیوست و بارها مواضع دشمن بعثی را در سخت‌ترین شرایط، هدف حملات هوایی قرار داد. شهید شیرودی در یکی از این عملیات‌ها، پس از انجام موفقیت‌آمیز مأموریت خود، به آرزوی دیرینه‌اش یعنی شهادت در راه خدا رسید. او علاوه بر کاردانی در زمینه‌های نظامی، فردی خود ساخته و با اخلاص بود. قطع رابطه با رژیم آل سعود با حمه‌ای اسلامی ایران به دسته دولت آمریکا (1367 ش).

پس از قتل عام زائران خانه خدا توسط رژیم آل سعود در نهم مرداد 1366 و وقوع حادثه جمعه خونین مکه، روابط ایران با این کشور به پایین‌ترین حد خود رسید و تعداد دیپلمات‌های ایرانی در عربستان سعودی به حداقل رسید در حالی که اعضای سفارت سعودی در ایران نیز، از مدت‌ها قبل، تهران را ترک کرده بودند. تا اینکه سرانجام روابط سیاسی دو طرف کاملاً قطع شد و حتی در اعزام زائران بیت الله الحرام و حرم شریف نبوی نیز برای چندین سال، وقفه‌ای پدید آمد. اقدام دولت عربستان سعودی برای قطع رابطه با ایران، در راستای همسویی سیاست این رژیم با اربابان آمریکایی خود و به منظور انحراف اذهان مسلمانان جهان از سیاست مخالفت حضور حجاج ایرانی خانه خدا در مراسم حج سال 1367 تفسیر شد. حجت‌الاسلام شمس‌الاحمد عالمی و محدث (588 ق)،

محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی معروف به "ابن شهر آشوب" ملقب به "زین‌الدین و رشیدالدین" متکلم، واعظ، ادیب و قاضی معروف شیعی مذهب، در مازندران متولد شد. بنا به دلایل مذهبی ناچار به ترک ایران در دوره سلجوقیان شد و به حلب رفت. او از دانشمندترین عالمان زمان خود و مورد قبول و احترام پیروان اهل تسنن نیز بود. ابن شهر آشوب از عالمانی چون زمخشری، امام محمد غزالی و خطیب خوارزمی اجازه نقل حدیث داشت. پاره‌ای از آثار مهم او عبارتند از: معالم العلماء، مناقب آل‌بابی، طالب، مثنای القرآن و الاربعین. مقبره‌ای در "جبل الجوشن" در نزدیکی مشهد حسینی قرار دارد. توله شیخ محمدحسن مامقانی، از علمای فقه‌مان نام‌آور، قرن سیزدهم هجری (1238 ق)،

حاج شیخ محمدحسن مامقانی فرزند ملا عبدالله یکی از علما و مراجع مشهور؛ دانشمندی متبحر، فقیهی اصولی، مجتهدی متقی و پیکری از زهد و ورع و تقوا و تواضع و ایثار بود. مامقانی از افاضل شاگردان شیخ انصاری، سیدحسین ترک و اعلام دیگر عتبات بود که خود کانونی از صفا و صمیمیت و در نهایت تقوی و قناعت زندگی می‌نمود. فاضل مامقانی معاصر با فاضل شریانی از اجله علما و مراجع بلاد ترک بود. محدث قمی در القاب می‌نویسد: «مامقانی از بزرگان علمای امامیه و مرجع تقلید شیعیان بود که حال او بعد از ریاست تامه با قبل از مرجعیت کوچک ترین، تغییری نکرد. در خوراک و پوشاک و رفتار در نهایت پرهیزکاری بود. او دیناری از امرا و ستمکاران نمی‌گرفت و خود در وجوه شرعی تصرف ننمود.» فاضل مامقانی در اصول فقه مهارت بیش تری داشت و علمانی چند از محضر او به درجه اجتهاد رسیدند. وی در فقه و اصول آثاری نیکو از خویش به جا گذاشت: "مجلدات البشیری" در اصول و "ذرایع الاحکام" در شرح شرایع محقق از تألیفات فقهی اوست. وی "حاشیه و شرحی بر مکاسب شیخ" و کتابی به نام "غایت آمال" به رشته تحریر درآورده است. مرحوم مدرس در ریحانه می‌نویسد: «علامه مامقانی عالمی است عامل، فاضلی ربانی، فقیهی صمدانی، ادیب لغوی و اصولی، عابد و متقی و متواضع. حوزه درس او مجمعی از فضلا و علمای مختلف بلاد بود.» مامقانی به سادات و ذراره آل رسول صلی الله علیه و آله خیلی علاقه داشت و آن‌ها را بیش از معمول اکرام می‌کرد. در کمک به مردم و اهل علم از طریق انصاف و عدالت عمل می‌نمود. مرجعی زاهد و متواضع، مطیع امر مولا و صائن به نفس خویش بود. او بر نفس اماره خویش مسلط بود. در سلام بر همه پیشی می‌گرفت، اما در رفتن یا داخل شدن از دیگران به خصوص از اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله پیشی نمی‌گرفت. فاضل مامقانی به تمام فضائل انسانی آراسته و از کلیه رذائل اخلاقی به دور بود. مراتب علمی او بر همگان آشکار بود و در ایام زعامت و قبل از آن یکسان عمل می‌نمود. فاضل مذکور سرانجام در روز هجدهم محرم سال ۱۳۲۳ ق در نجف اشرف وفات نمود و پس از فوتش، فرزند علامه

اطلاعات زیادی پیرامون شرح حال گوتنبرگ در دسترس نیست. تنها می دانیم که او در حدود سال ۱۴۰۰ در شهر ماینز آلمان به دنیا آمد و در اواسط قرن تمام فعالیت خود را وقف هنر چاپ کرد. معروف ترین کار او کتاب مقدس گوتنبرگ می باشد که حدود سال ۱۴۵۴ در ماینز چاپ شده است. البته نام گوتنبرگ در هیچ يك از کارهای چاپی او، حتی در کتاب مقدس گوتنبرگ که مسلماً با تجهیزات او چاپ شده است، به چشم نمی خورد. گوتنبرگ ظاهراً کاسب خوبی نبوده و نتوانست از اختراع خود پول زیادی به دست آورد. او در دعاوی متعددی گرفتار شد که در یکی از آنها محکوم شد تجهیزات خود را به شریکش یوهان فاست واگذار کند. گوتنبرگ در سال ۱۴۶۸ در ماینز درگذشت. چاپ باسمة ای قرن ها قبل از گوتنبرگ در چین شناخته شده بود، باستان شناسان نیز توانسته اند يك کتاب چاپی که تاریخ آن به سال ۸۶۸ برمی گردد در چین کشف کنند. مهر و انگشترهای خاتم نیز که اساس کارش همان شیوه چاپ باسمة ای می باشد از زمان های باستان به کار گرفته می شده است. در غرب نیز قبل از گوتنبرگ با چاپ آشنا بودند. چاپ باسمة ای، امکان تولید نسخه های متعدد از يك کتاب را فراهم می کرد اما يك مشکل اساسی داشت از آنجا که برای هر کتابی باید يك سری کامل و جدید از صفحات ساخته می شد و حروف روی چوب حک می شد، این روش برای تولید کتاب های مختلف عملی نبود. گفته شده است که سهم عمده گوتنبرگ در صنعت چاپ اختراع حروف چاپی قابل جابجایی بوده است. در واقع حروف چاپی قابل جابجایی نیز در اواسط قرن یازدهم در چین توسط شخصی به نام بی شنگ اختراع شده بود. اما چون صنعت چاپ تنها پس از اروپا و پس از اینکه چینی ها روش های جدید آن را از اروپایی ها فراگرفتند در چین همگانی شد، صنعت چاپ به شکل امروزی اش را به بی شنگ و چینی ها نسبت نمی دهند. حروف چاپی را در آن زمان با نوعی سفال می ساختند که طبعاً نمی توانست زیاد بادوام باشد. بعدها چینی ها و کره ای ها در ساخت حروف چاپی قابل جابجایی اصلاحاتی به وجود آوردند، پس از آن دولت کره در اوایل قرن پانزدهم از ایجاد يك کارگاه ریخته گری برای تولید حروف چاپی فلزی حمایت کرد و پس از آن و مدتی قبل از گوتنبرگ، کره ای ها حروف چاپی فلزی را جایگزین حروف سفالی کردند. روش چاپ گوتنبرگ، با این روش می شد ۲۴۰ صفحه در ساعت چاپ کرد. کاغذ سال ها قبل در چین توسط تسائی لون اختراع شده بود و در غرب نیز قبل از گوتنبرگ به شکلی گسترده از آن استفاده می شد. این تنها عامل از عوامل چهارگانه مورد نیاز چاپ بود که گوتنبرگ به شکل آماده در دسترس داشت. اگر چه در مورد سه عامل دیگر قبل از گوتنبرگ کارهایی انجام شده بود ولی گوتنبرگ اصلاحات و ابداعات مختلف و متعددی در هر يك از آنها پدید آورد. وی ظاهراً بدون اطلاع از کار چینی ها، حروف قابل انتقال را اختراع کرد و برای هر يك از حروف الفبا يك حرف جداگانه به کار برد. حروف متحرک را چینی ها اختراع کردند، ولی گوتنبرگ که حرفه اش زرگری بود، آلیاژ مناسب برای ریخته گری حروف را از سرب و آنتی موآن به دست آورد و سپس نسبت هر يك از این دو فلز را به گونه ای انتخاب کرد که حروف بیش از حد سخت و نرم نباشند. وی برای مرکب روغنی چاپ هم فرمول مناسبی یافت همچنین پرس مناسبی هم برای چاپ ابداع کرد و خلاصه با رفع موانع و حل مشکلات، عمل چاپ را میسر و اجرایی کرد. صنعت چاپ برخلاف تمام اختراعات پیشین اصولاً يك دستگاه تولید انبوه است. يك نسخه از يك کتاب چاپی به خودی خود چیزی برتر از نسخه خطی آن نیست اما مزیت اصلی چاپ در تولید انبوه آن است. آنچه که گوتنبرگ ابداع کرد تنها يك ابزار و يك وسیله و یا حتی انجام يك سلسله اصلاحات در آنچه که وجود داشت، نبود بلکه ابداع يك سامانه کامل تولید بود. با مقایسه توسعه بعدی اروپا و چین می توان تصویری از تأثیر گوتنبرگ بر تاریخ جهان به دست آورد. در هنگام گوتنبرگ اروپا به سرعت پیشرفت کرد در حالی که پیشرفت چین، که تا مدتها بعد هنوز از چاپ باسمة استفاده می کرد، نسبتاً کند بود و می توان گفت صنعت چاپ عامل بسیار مهمی در گسترش و پیشرفت دانش بوده است. تقریباً ۲۰ سال پس از نخستین تلاش های گوتنبرگ در امر چاپ، این صنعت در ونیز، فلورانس، پاریس و لیون در حدی مختصر و محدود رواج یافت چون دستگاه چاپ گوتنبرگ، هزینه های بسیار زیادی داشت در نتیجه تنها برای ثروتمندان قابل دسترسی بود و به همین دلیل تا مدت های طولانی استقبال چندانی از آن نشد. ۳۰۰ سال پس از اختراع دستگاه چاپ گوتنبرگ، يك نمایشنامه نویس آلمانی به نام آلوئیس زنه فلدر، چاپ سنگی یا لیتوگرافی را در سال ۱۷۹۶ میلادی اختراع کرد. او آیت عظمی شیخ عبدالله مامقانی وارث علوم پدر گردید.